

بسیج و محیط زیست: زمینه‌های قانونی حضور مؤثر در ارتقای امنیت اجتماعی

نویسنده: پروانه تیلانی^۱

فصلنامه مطالعات بسیج، سال نهم، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۵

چکیده

امنیت ملی در مفهوم امروزی آن، تنها به مصونیت کشور (جمعیت و سرزمین) در برابر حمله خارجی یا تهدید حمله و شورش داخلی محدود نمی‌شود، بلکه از جهات نرم افزاری و سخت افزاری ابعاد جدیدی یافته است. بدون تردید، محیط زیست یکی از ابعاد جدید مؤثر بر امنیت ملی است که در مطالعات جهانی راجع به امنیت، جایگاه ویژه‌ای یافته است و حتی آینده مناسبات بین‌المللی (محیط خارجی) و روابط بازیگران داخلی (حیط داخلی) در اجتماعات سیاسی نیز بر اساس آن ارزیابی و تحلیل می‌شود.

این نوشتار با نگاهی حقوقی، به بررسی نقش امنیتی محیط زیست (امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی) در دنیای امروز اعم از آثار و پیامدهای آن در محیط خارجی، به‌ویژه در سامان دادن به مناسبات داخلی اجتماعات انسانی، همچنین توجیه نقش همکارانه بسیج در این حوزه و تحلیل چارچوب ایفای این کارکرد، خواه در ایجاد امنیت داخلی (امنیت سازی) و خواه حفاظت از وضعیت امنیتی موجود (امنیت بانی) خواهد پرداخت.

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی و محقق مطالعات حقوق امنیت.

بشر به عنوان برترین مخلوق، منزلت و جایگاهی رفیع در خلقت دارد و به حکم قرآن کریم، ارزش وجودی آن در این مجموعه تا آستانه جانشینی خدا بر زمین، ارتقا یافته است. بشر برای زندگی در دنیای مادی، نیازمند فضا و امکانات است؛ هرچند در خصوص کمیّت و کیفیت آن دو نگاه حداقلی و حداکثری وجود دارد اما وجود «محیطی مناسب» متشکل از عناصری چون خاک، هوا و آب مناسب، جزء لاینفک شرایط حیات و بقای بشر در این دنیا است. بنابراین، از نگاه ارزشی و ایدئولوژیک نیز باید از چنین حربه‌ای که امکان می‌دهد انسان با توسعه توانمندیها و تزکیه خود، در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد و روند تعالی خود را طی کند، حمایت، حفاظت و حراست کرد.

در هر حال، «محیط زیست مناسب» مقدم بر کلیه ضروریات زندگی یا پیش‌نیاز اولیه زیست بشر است. از این رو، طبیعی است که حراست و حفاظت از آن از جهات مختلف توجیه شود: بستگی زندگی انسان به وجود محیطی سالم و مناسب یا عاری از آلودگی؛ محیط به عنوان بستر اساسی و لایتجزای تجمع انسانها و تشکیل اجتماعات انسانی؛ کیفیت شرایط محیطی و اقلیمی به منزله عاملی تعیین کننده در پیشینه تاریخی تشکیل جوامع؛ محیط به عنوان عاملی مؤثر در رشد فرهنگها و ادیان و نهایتاً شرایط محیطی به عنوان عاملی مؤثر بر همبستگی مادی و معنوی آحاد جامعه و امنیت اجتماعی و در نتیجه امنیت ملی. در واقع؛ فارغ از ملاحظات مربوط به نقش محیط در کیفیت زندگی انسانها که عموم افراد به خوبی از آنها آگاهند، امروزه مطالعات تخصصی پیرامون نحوه تضمین امنیت اجتماع از طریق بهره گیری از عوامل محیطی صورت گرفته و محیط زیست به منزله شاخصی مهم در مطالعات راجع به امنیت در کلیت آن، و جاهت یافته است. در نتیجه، امنیت ملی در مفهوم امروزی آن، تنها به مصونیت کشور (جمعیت و سرزمین) در برابر حمله خارجی یا تهدید حمله و شورش داخلی محدود نمی‌شود، بلکه از جهات نرم افزاری و سخت افزاری نیز ابعادی جدید یافته است. بدون تردید، محیط زیست یکی از ابعاد جدید مؤثر بر امنیت ملی است که در مطالعات جهانی راجع به امنیت، جایگاه ویژه ای یافته است و

حتی آینده مناسبات بین‌المللی (محیط خارجی) و روابط بازیگران داخلی (محیط داخلی) اجتماعات سیاسی نیز بر اساس آن ارزیابی و تحلیل می‌شود.

نظر به جایگاه بسیج در بطن و متن اجتماع و رسالت آن در جهت همسو کردن محیط اجتماعی (به مفهوم وسیع آن) با آرمانها و اصول منضبط تعالی فرد و اجتماع، تحلیل جامعه‌شناختی این نهاد به خوبی بر کارکردهای عام امنیت سازی و امنیت بانی (ساعد و تیل، ۱۳۸۳، ص ۵۲) از جمله در حیطة حفاظت از محیط زیست اعضای این اجتماع، دلالت دارد. باین حال، قانون برنامه چهارم توسعه با درک چنین ضرورتی، بسیج را به عنوان همکار و شریک نهادهای تخصصی حکومتی در زمینه حفاظت از محیط زیست شناخته و حتی نوعی تقسیم همکارانه اختیارات نهادهای حکومتی را در این خصوص تعبیه کرده است، به گونه ای که از قابلیت‌های نهادهای عمومی (به‌ویژه نهادهایی که از بطن اجتماع ظهور کرده و به سیستم دولتی وارد شده اند و ظهور آنها سیر سطح تا فوق داشته است) استفاده بهینه به عمل آید.

این نوشتار به بررسی نقش امنیتی محیط زیست در دنیای امروز اعم از آثار و پیامدهای آن در محیط خارجی، به‌ویژه در سامان دادن به مناسبات داخلی اجتماعات انسانی و همچنین توجیه نقش همکارانه بسیج در این حوزه و تحلیل چارچوب ایفای این کارکرد خواه در ایجاد امنیت داخلی (امنیت سازی) و خواه حفاظت از وضعیت امنیتی موجود (امنیت بانی / Security Keeping) خواهد پرداخت.

بند اول: مناسبات محیط زیست با اجتماعات انسانی و هویت ملتها

قبل از تحلیل ظرفیتها، استعدادها و توانمندیهای بسیج در رابطه با حفاظت از محیط زیست و تأثیر این امر بر تسهیل مسیر دستیابی به اهداف و مأموریت‌های ذاتی آن، به‌ویژه ارتقای امنیت اجتماعی و پاسداشت مبانی میراث طبیعی و صیانت از هویت فرهنگی جامعه، تصویری از اهمیت و ارتباط محیط با محورهای مناسبات افراد در جامعه کنونی را ترسیم خواهیم کرد. بدین منظور، لازم است زوایای مختلف این موضوع را در زیست ملی و بین‌المللی اجتماعات

انسانی بیان کنیم.

در اولویت و اعتقاد عمومی به اهمیت حفاظت از محیط زیست، حداقل به عنوان محیطی که انسان باید زندگی و حیات خود را در آن دنبال کند، تردیدی وجود ندارد. اما ترسیم چارچوب قانونی تعقیب ارزشها و موازین ناظر بر حفظ این محیط، دشوار است؛ چرا که اساساً تعریفی روشن از مفهوم «محیط زیست» وجود ندارد. در واقع؛ تعریف و تبیین محتوای آن اگر هم ناممکن نباشد، بسیار مشکل است. محیط زیست به شیوه‌های مختلف تفسیرپذیر شده است. هر نقطه از فاصله بین کل بیو سفر (Biosphere) و محیط فیزیکی نزدیک هر فرد یا گروه را می‌توان به‌عنوان محیط زیست اعلام کرد. علاوه بر این، واژه مذکور فی نفسه واژه‌ای خنثی است؛ محیط زیست ممکن است خوب یا بد، زیان دیده یا حفاظت شده باشد. در نتیجه، در متون عمومی حقوق موضوعه یا مثبت (Positive Law) که از حق بر محیط زیست سخن می‌گویند، برای روشن شدن زوایای این تعریف خنثی، خصوصیات و شرایط محدود کننده ای به آن واژه اضافه می‌شود تا به ترسیم و استنباط بهتری از این مفهوم کمک کند. طبیعی است که ابهام در درک مفهوم «محیط زیست»، کارکردهای زیست محیطی را نیز با ابهام روبه‌رو می‌سازد. با این حال، در تعریفی کلی می‌توان محیط زیست را «عناصر اساسی طبیعی احاطه کننده زندگی انسان (هوا، آب، خاک و گونه‌های گیاهی و جانوری) دانست که بدون اغلب آنها حیات میسر نیست» و تنها با شرایط مطلوب محیطی است که زندگی انسانی روندی طبیعی خواهد داشت.

۱- درآمدی بر اهمیت محیط‌زیست در راهبردهای امنیتی معاصر

تحول و تغییر، از خصایص ثابت و دائمی اجتماعات است که نه تنها در ذات و ماهیت تکاملی آنها نهفته است بلکه لازمه پیشرفت بشر و گام برداشتن به سمت سوی تعالی و سعادت است. در این سیر تحولات، محور تأمل و تدقیق اجتماعات اغلب دگرگون می‌شود و در پی روشنگری ناشی از علوم و ارتباطات و توسعه علوم مختلف، اهمیت برخی از مؤلفه‌های زیست پایدار یا عناصر مرتبط و مؤثر بر آن، آشکار می‌شود و با شناسایی این اهمیت در سطوح

تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد، به‌ویژه حوزه مطالعات و بررسی‌های امنیتی، در چارچوب راهبردها قرار می‌گیرند.

به عبارت دقیق‌تر؛ علوم انسانی و اجتماعی به مثابه ممارست علمی به منظور شناخت علل و معلول و معرفت به روابط علی و معلولی در وقوع حوادث در اجتماعات انسانی (هستی‌شناسی) و همچنین ملاحظه رفتارهای اجتماعی متناسب با بایسته‌ها و ارزشهای این اجتماع (ایدئولوژی و بایسته‌شناسی)، علوم تحلیل تحولات هستند. «از این رو، تغییر و تحول در مفاهیم و معانی‌ای را که از آنها استنباط می‌شود، می‌توان جزء ضروری و بدیهی این علوم دانست». (بختیاری، ۱۳۸۱، صص ۳۶-۳۵) از دیدی دیگر، چنین تحولی در موضوع این دسته از دانش بشری، ابزار توسعه آن نیز می‌باشد. این توسعه و تحول را می‌توان در نگرانی فزاینده بین‌المللی در خصوص امور زیست محیطی دنیای امروز به خوبی ملاحظه کرد.

اهمیت زیست محیطی را می‌توان در سطح بین‌المللی و ملی (امنیت زیست محیطی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی) دسته‌بندی و بررسی کرد. شایان ذکر است که این لایه‌بندی‌ها، مجزا و غیرقابل نفوذ بر یکدیگر نبوده، بلکه نمادی از تلاش‌های گاه متفاوت و گاه مشابه برای حصول هدفی نسبتاً واحد با عنوان «تأمین امنیت بشری در محیطی مستعد برای زندگی پایدار» می‌باشند.

الف) محیط زیست به مثابه اولویت و نگرانی بین‌المللی

بدون تردید، محیط زیست همانند سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی، وضعیتی متحول داشته و تنها از اواخر قرن بیستم، تأثیر و تأثر محیط و ساختارهای سیاسی و اجتماعی و حیات در جوامع داخلی و بین‌المللی، در مرکز بررسی‌های راهبردی به‌ویژه از بُعد امنیتی قرار گرفته است. تا قبل از آن، تحلیلگران عرصه امنیت، هرگز چنین توجهی به مقوله محیط زیست نداشتند؛ ولی با تحولات این دوره، حتی جبران صدمات زیست محیطی وارده بر افراد (به عنوان تزییع حقوق شهروندی آنها در داشتن محیطی مناسب برای زیست مطلوب و پایدار که در آن امکان رشد و شکوفایی سایر استعدادهای خدادادی آنها فراهم شود) و جوامع (به منزله حقی جمعی و عمومی یا همگانی)، در رأس برنامه‌ها و اهداف

جنبش‌های گسترده‌تر اجتماعی حمایت از انسان و محیط زیست قرار گرفت. در هر حال، در دوران کنونی نگرانی‌های جدی و فراگیری در خصوص صنایع آلاینده و مخرب محیط طبیعی به وجود آمده است. با اینکه قواعد زیادی در عرصه بین‌المللی خواه به صورت معاهده یا عرف در راستای حفاظت از وضعیت فعلی محیط و جلوگیری از وخیم شدن آن و خواه ارتقای آن تا وضعیتی مناسب و مطلوب - به وجود آمده اما به دلایل مختلف که ناشی از تمایل سیاستها به اولویت دادن (حداقل مقطعی) توسعه اقتصادی و صنعتی بر حفظ حرمت محیط است، چنین اهدافی به کندی پیش رفته است. اما مهم این است که سطح وسیعی از مذاکرات سیاسی دولت‌ها را در دوران معاصر، گفتگو پیرامون راههای حصول به این اهداف تشکیل می‌دهد. (ر.ک: کاویانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰)

امنیت ملی



امنیت اجتماعی



امنیت زیست محیطی

نمودار ۱- مناسبات امنیت ملی، اجتماعی و زیست محیطی از نظر گستره

با اینکه امنیت ملی بسیار گسترده‌تر از «امنیت زیست محیطی» است، اما به نظر می‌رسد وضعیت مطلوب محیط زیست به عنوان فضای زندگی و بقای جمعیت دولت‌ها و ملت‌ها، نخستین محور ناشی از مطالعات زیست محیطی بوده است. در نتیجه همین توجهات است که این گستره خاص امنیتی، به سطح کل اجتماع کشیده شده و رابطه آن با وضعیت عادی مناسبات اجتماعی، «امنیت اجتماعی» را بدون چنین وضعیتی مناسبی از نظر عناصر زیست محیطی ناممکن دانسته و در مرحله آخر، محیط زیست به منزله یکی از مؤلفه‌های اجتناب‌ناپذیر «امنیت ملی» در جوامع معاصر شناسایی شده است. در واقع؛ محیط زیست در

دوران معاصر، به عنوان یکی از حوزه‌های امنیت ملی (اسنایدر، ۱۳۸۴، صص ۱۷-۱۶) در مطالعات صلح و امنیت بین‌المللی نیز جایگاهی خاص یافته است. اما مهم این است که در هر یک از لایه‌های مذکور امنیت، بسیج دارای ظرفیتها و اقتضائاتی برای اقدام است که در نهایت، پایداری اجتماع را بر ارزشهای زیربنایی تقویت می‌کند.

ب) امنیت اجتماعی: تهدیدها و فرصتهای زیست محیطی

بدون شک، هدف غایی و بالاترین مقصودی که در راهبردهای ملی تعقیب می‌شود، «امنیت ملی» است. امنیت در معنای ساده آن، به معنای فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادیهای مشروع و قانون شهروندان، بلکه وضعیت عادی و یا مطلوب پیرامون زندگی اجتماعی است که در آن مردم و نهادهای حاکم اعم از دولتی و غیردولتی، وظایف و کارکردهای طبیعی خود را به انجام می‌رسانند.

از یک دید، «امنیت از سه لایه اصلی و متکامل تشکیل شده است: امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی. امنیت فردی، حالتی است که به موجب آن، فرد در پناه قانون و برخوردار از حقوق شهروندی از هرگونه تهدید و تعرض و تعدی دیگران (خواه عناصر داخلی یا خارجی) می‌تواند از مجاری قانونی و در محاکم صالحه احقاق حق کند. امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که رفتار غیرقانونی یک فرد، سازمان یا دولت ممکن است در تمامی یا در بخشی از جامعه پدید آورد و امنیت ملی، حالتی است که به موجب آن، ملتی فارغ از ترس و تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از سرزمین، جمعیت، رفاه اقتصادی، نظام حکومتی، هویت ملی، زبان، دین و ارزشهای فرهنگی خود به سر می‌برد». (کارگر، ۱۳۸۱، صص ۱۷۷-۱۷۶)

در هر حال، امنیت مفهومی نسبی است؛ چرا که «ماهیت تهدیدات از هر کشور نسبت به کشور دیگر و بر حسب موضوعات مختلف و در طول زمان بسیار متفاوت است» (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۳۵). به همین دلیل، نه تنها برداشتهای امنیتی کشورها با هم تفاوت دارد، بلکه در گذر زمان نیز برداشت یک کشور ثابت نمی‌ماند و متحول می‌شود (ر.ک: فولر و لسر، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲). در این میان، امنیت

اجتماعی «ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر پیوند می‌زند و مرتبط می‌سازد» (نصری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶).

محیط، بستر زندگی انسانی و کلیه فعالیت‌های بشری است که به صورت قهری، سرنوشت مشترک اعضای یک جامعه و حتی تمامی انسانها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، جای تعجب نیست که افراد نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌های زیست محیطی دولتها، عکس‌العمل نشان دهند. به بیان دقیق‌تر، کیفیت شرایط محیطی؛ یعنی وجود یا فقدان عوامل آلاینده محیط، به ویژه شرایط بحرانی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی نظیر آلودگی ناشی از مواد صنعتی، زباله‌های خطرناک یا آلودگی‌های حاد ناشی از مواد هسته‌ای و شیمیایی مضر، در کیفیت فضای سیاسی حاکم بر اجتماع و در نتیجه، ارتباط روانی و علقه‌های احساسی آنها با نظام سیاسی (تأثیرگذار بر مدیریت زیست محیطی کشور و راهبردی سیاست‌های توسعه‌ای و صنعتی) و حتی با دیگر اعضای اجتماع، تأثیر بسزا خواهد داشت. به همین دلیل، وضعیت زیست محیطی مطلوب، یکی از عناصر و اجزای اصلی مفهوم «به‌زامداری» (Good-Governance) است که از نظر مدیریت امور اجتماعی در قرن بیست و یکم مطرح شده است (زارعی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۸). شکل‌گیری سازمانهای غیردولتی زیست محیطی (Environmental Non-Governmental Organizations) ملی و حتی بین‌المللی و راهبرد مشترک آنها در برخورد با سیاست‌های ناسازگار با اولویت حفظ محیط زیست در برخی از دولتهای صنعتی و پیشرفته، همبستگی اجتماعی افراد در قالب جوامع ملی و بین‌المللی را که به تکیه بر سرنوشت مشترک می‌باشد، به خوبی نمایان می‌سازد. در هر حال، به تعبیری، محیط زیست یکی از بسترهای تعیین نوع مدیریت امور جهانی در وضعیت کنونی و آینده می‌باشد. (کیت‌پیز، ۱۳۸۵، صص ۲۴-۲۳)

بدون تردید، تأکید بر مقوله‌های زیست محیطی به عنوان بخشی از محورهای امنیتی در سطوح ملی و بین‌المللی، از جلوه‌های نوین مطالعات امنیتی محسوب می‌شود؛ از جمله تأکید دبیرکل سابق ملل متحد در دستورکاری برای صلح (۱۹۹۲) در این زمینه قابل توجه است. علاوه بر این، نقش محیط در شکل‌گیری جوامع حتی نظامهای سیاسی و نحوه تقویت و تضعیف دولتها و ملتها از طریق

تکیه بر شاخص محیط و اقلیم، به صورت تخصصی در حوزه مطالعات جغرافیای نظامی و امنیتی تحلیل می‌شود تا از این طریق، مناسبات متقابل محیط زیست و امنیت عمومی تبیین گردد.

ج) مطالعه علمی محیط زیست با محوریت امنیت

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، محیط زیست یکی از موضوعات اصلی و البته جدید در مطالعات امنیتی معاصر است. در واقع؛ علاوه بر نگرشهای کشوری به مقوله محیط و عناصر اقلیمی که نتیجه درک پیامدهای غیرقابل انکار این مؤلفه بر حیات انسانهاست، کارشناسان امنیتی نیز با توجه به ملاحظات جغرافیایی مانند موقعیت استراتژیک و وضعیت آب و هوایی (اقلیم کشورها)، نه تنها بخشی از تهدیدات آن کشور را تبیین می‌کنند، بلکه راهکارهای امنیتی برای دفاع تهدیدات احتمالی و بالابردن ضریب امنیتی جامعه را پیشنهاد می‌کنند. در این رویکرد، حوزه ای جدید از مطالعات علوم انسانی به نام جغرافیای سیاسی در اواخر قرن بیستم شکل گرفته است (افتخاری، ۱۳۸۱، ص ۴۳) که بدون شک، مطالعه بخشهای محیطی (خشکی، دریا، هوا و فضا، اقیانوسها، قطب شمال و جنوب و به‌ویژه سیستم شناخت گونه‌های گیاهی و جانوری در زمین و اکوسیستم) و محیط زیست در کلیت آن، به عنوان بخشی مهم از آن موضوعیت می‌یابد. (Glasser & Father, 2003)

در جغرافیای امنیتی نیز با تجزیه و تحلیل امنیت و در نظر گرفتن محیط و فضای جغرافیایی واحد سیاسی، فرایند تهدید و فرصت ملی را در قالب فضایی آن تحلیل می‌کند تا تصویری واقع‌بینانه از امنیت یک کشور را ارائه کند. (Ibid, p.45-46)

در این نوشتار تنها به محیط زیست به عنوان بستر زندگی اجتماعی و همچنین یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت ملی (امنیت اجتماعی) پرداخته می‌شود و نقش محیط به عنوان عاملی جغرافیایی در شکل‌گیری و دوام دولت-کشورها و همچنین در توسعه راهبردهای نظامی و دفاعی (شناخت محیط در تاکتیک و عملیات) که مقوله‌ای مجزا و قابل طرح در چارچوب جغرافیای نظامی می‌باشد، (صفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۹) به تحلیلی جداگانه محول می‌شود.

۲- انسان و زیست اجتماعی: موضوعیت محیط زیست در رویکرد حقوقی

موازن حفاظت از محیط زیست همانند ضوابط ناظر بر حقوق شهروندی، یک جنبش و رقابت عالی پنهانی را در خود جا داده‌اند و نظر به اینکه با کلیه حوزه‌های فعالیت بشری تماس و ارتباط دارند، خواستار توجه اساسی به این ملاحظات در تعیین و تبیین هنجارهای حاکم بر اجتماع می‌باشند؛ به‌ویژه همسازی و مطابقت سیاستهای مختلف دولتی و غیردولتی با اولویت تأمین محیطی مناسب که لازمه حیات اجتماعی است را به صورت مصرانه تعقیب و پیگیری می‌کنند.

اعلامیه استکهلم با بیان اینکه «انسان از حق زندگی در محیطی که کیفیت آن حیات شرافتمندانه و مرفه را میسر می‌سازد، برخوردار است»، این حقوق را با تکالیف اجتماعی پیوند می‌زند و مقرر می‌کند که «انسان مسئولیت انحصاری حفاظت و بهبود محیط زیست را برای نسلهای حاضر و آتی (Present and Future Generations) برعهده دارد». بنابراین، محیط زیست نه تنها بستر حیات اجتماعی و هویت فرهنگی است بلکه عاملی در تنظیم مناسبات انسانها در نسلهای مختلف است.

الف) محیط زیست و موضوعیت حقوق عمومی

با توجه به اینکه اساسی‌ترین حقوق انسان، حتی حیات، تنها در فضایی میسر است که امکان اقلیمی تولد و بقای بشر وجود داشته باشد و شرایط عادی محیطی (اقلیمی و جغرافیایی) از آلودگی‌های غیرقابل تحمل و غیرقابل جبران توسط اکوسیستم در امان باشد، در کلیه سیستم‌های حقوقی نیز وضعیت زیست محیطی مطلوب و مناسب، به عنوان یکی از شرایط و لوازم اعمال حقوق اساسی شهروندان (حق حیات، بهداشت، تغذیه، زاد و ولد، توسعه و غیره) اعم از نسلهای فعلی و آینده تلقی شده، و علاوه بر آن، به مثابه حقی مستقل و مجزا به نام «بهره‌مندی از محیط زیست مناسب» شناخته می‌شود. قانونگذار اساسی کشورمان در این خصوص پیشرو بوده و در اصل پنجاهم قانون اساسی نه تنها بر «حقوق نسلهای حاضر و آینده» در داشتن این فضا به عنوان بستر «حیات اجتماعی رو به رشد، تأکید کرده، بلکه آن را فراتر از حق، «تکلیف همگانی»

تلقى نموده است. (ساعد، ۱۳۸۳، ص ۸۹)

مسئله پیوند حقوق بشر با حفاظت از محیط زیست که به‌ویژه در سال ۱۹۷۰ مورد توجه محافل بین‌المللی قرار گرفت، ابتدا در اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و سپس در منشور جهانی طبیعت، پیش نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی و اعلامیه ۱۹۹۲ ریو مورد پذیرش بین‌المللی قرار گرفت و خانم فاطمه زهرا سنتینی، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر نیز با ارائه گزارش نهایی خویش در سال ۱۹۹۴ این پیوند را نمایان‌تر کرد. اما در کنار این سلسله اسناد بین‌المللی غیر الزام آور، منشور افریقایی حقوق بشر و اقوام و همچنین پروتکل الحاقی سان سالوادور به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر اگرچه محدود به حقوق بشر منطقه‌ای هستند لیکن در هر حال، به مفهوم حقوق بشری زیست محیطی (Environmental Human Rights) جلوه الزام‌آور حقوقی داده‌اند.

مفهوم حقوق بشری زیست محیطی، نشانه تلافی حفاظت از محیط زیست و بهره‌مندی از محیط زیست سالم، بهداشتی، پاک و رضایت‌بخش با حقوق اساسی بشری است. به نظر می‌رسد که این حق بر محیط زیست را به دو صورت مختلف می‌توان در چارچوب حقوق بین‌المللی بشری مورد توجه قرار داد: حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از متعلقات، اجزا یا آثار حقوق بشری نسل اول یا دوم و حق بر محیط زیست به‌عنوان یک حق مستقل بشری. جلوه دوم این حق هم در پرتو حقوق بشری نسل سوم و هم در قوانین اساسی بیش از شصت کشور (به‌عنوان عملکرد دولتها یا حقوق داخلی) قابل بررسی خواهد بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعدد به‌ویژه اصل پنجاهم خود، ضمن شناسایی این حق، ترتیبات خاصی را مقرر کرده است. (ساعد، ۸۱-۱۳۸۰، ۱۵۴-۱۱۲)

ارتباط بین دو مقوله مذکور، یعنی حقوق محیط زیست و حقوق بشر و شهروند، حداقل از جهت نظری، به‌ویژه با تکیه بر اشتراک آنها از حیث در بر گرفتن اقدامات بشری و همچنین اشتراک در اهداف، چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. از آنجا که حقوق بین‌الملل محیط زیست از علایق و منافع مشترک بشریت نشئت می‌گیرد، حقوق و آزادیهای اساسی بشری را نیز که بر علایق و

منافع مذکور استوارند، از حیث بین‌المللی مورد پذیرش قرار می‌دهد. در هر حال، رابطه مذکور را می‌توان به دو طریق تصور کرد. در این دو رابطه، گرچه تقدّم و تأخّر محیط زیست یا حقوق بشر در قبال یکدیگر متغیر است، لیکن نتیجه هر دو حالت، واحد است و آن عبارت است از تأمین و تضمین محیط زیستی سالم برای حیات پایدار و همراه با کرامت بشر.

حفاظت از محیط زیست ممکن است اقدامی برای فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی بهره‌مندی عموم از وضعیت مطلوب زندگی و همزیستی آحاد جامعه باشد. از آنجا که بی توجهی به محیط زیست فیزیکی مستقیماً بر تخلفات از حقوق بشر بر «حیات، بهداشت و تغذیه» مؤثر است، اقدامات منتهی به تخریب محیط زیست ممکن است به ممانعت از وضعیت مذکور منجر شود. ایجاد سیستمی قابل اطمینان و مؤثر در حفاظت از محیط زیست، به تضمین رفاه نسلهای آینده نیز کمک خواهد کرد و به عکس، بی توجهی به مقتضیات زیست محیطی ممکن است بقای نسلهای کنونی و حیات نسلهای آینده را در معرض خطر جدی قرار دهد. در این راستا، نه تنها تمتّع و استیفای حق حیات، بلکه دیگر حقوق بشری نسلهای آینده، تابعی از حفاظت کنونی از محیط زیست خواهد بود.

بر اساس این نگرش کیفی، حق بر محیط زیست پاک و سالم، همگام با سایر خواسته‌ها نظیر توسعه پایدار (Sustainable Development) یا انصاف بین‌نسلی (Intergenerational equity) است ولی در عین حال، از مشکلات ذهنی بودن، تعریف و نسبی‌تی که در اندیشه‌های مربوط به حقوق عمومی و شهروندی نهفته است، متأثر می‌شود.

ب) محیط زیست به منزله مؤلفه‌ای اجتماعی: پیام جامعه‌شناسی حقوقی محیط زیست همانند سایر مؤلفه‌های اجتماعی، از خصایص و وضعیت اجتماع تأثیر می‌پذیرد. بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای توان آنها برای زندگی، آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست را کاهش خواهد داد و به عکس، در شرایط نامناسب اجتماعی، نه تنها تخریب این محیط به بهانه توسعه اقتصادی و صنعتی

توجه‌پذیر می‌شود بلکه شهروندان نیز بدون توجه کافی به این پیش نیاز زندگی، تخریب آن را به قصد برآوردن نیازهای محسوس و اولیه زندگی روا خواهند داشت. اگر حقوق مسلم بشری بر «حیات، بهداشت، اموال، فرهنگ و شرایط زندگی سالم» باید برای اکثریت جمعیت جهان علاوه بر اقلیتی محدود به اجرا در آید^۱ و اگر حقوق مذکور در تعقیب حداکثر انتفاع بشر (و نه اعتدال و استفاده عقلایی از عرصه‌های طبیعی و گونه‌های گیاهی و جانوری) (Fauna and Flora) بوده و در آن رأساً تفسیر شوند، پس اتمام سریع منابع طبیعی و نابودی زود هنگام گونه‌ها، نتیجه احتمالی حمایت از این گونه حقوق به زیان ملاحظات زیست محیطی خواهد بود. (Anderson, 1995, pp.1-14)

برای مردم آسیب‌پذیر در برابر شکنجه یا گرسنگی شدید، احتمالاً مشکلات فوری و اضطراری مربوط به بقا، جایگزین نگرانی پیرامون سلامت بلند مدت زیست بوم خواهد شد. به رغم این دیدگاه قابل حمایت که حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست دو موضوع به هم پیوسته، مکمل و غیر قابل تفکیک اند، این گرایش‌ها را که بر ملاحظات عملی زندگی امروزه استوارند نمی‌توان کنار گذاشت. با اینکه استدلال بر به هم پیوستگی آنها در بسیاری از موارد، بدیهی به نظر می‌رسد، برخی اوقات روند رشد و توسعه اجتماع موجب می‌شود که درجه اولویت محیط (عامل پایدار کردن حیات)، تحت تأثیر نیازهای روزمره و فوری، به فراموشی سپرده شود و در درجه دوم اهمیت قرار گیرد.

حقوق عمومی شهروندان در داشتن حیات و اموال و مالکیت، در حفاظت محیط زیست نقش قطعی و مؤثری دارند. نه تنها این حقوق، فضا و گستره اجتماعی را که فعالیت سیاسی در آن صورت می‌گیرد تعیین و تبیین می‌کنند، بلکه حق بر حیات و اموال نیز خود استانداردهای اساسی در خصوص روابط

۱. البته اگر در اینجا بحث از اکثریت و اقلیت می‌شود به خاطر این است که موضوع، استیفای حقوق است نه تمتع از آنها. طبیعی است که همه انسانها از حقوق مذکور به صورت طبیعی و فطری برخوردار و متمتع هستند. ولی از طرف دیگر، طبیعی است که موانعی در دنیای امروز وجود دارد که نمی‌گذارند «بایسته‌ها» به «هست‌ها» تبدیل شوند. لیکن در هر حال، یکی از شاخصهای دولت مقتدر و اداره مناسب امور (good management) همین است که شرایط استیفای حقوق، بیشترین حد از مردم را فراهم سازد.

انسانی در دنیایی طبیعت هستند. برای مثال، حق بر بهداشت (Right to Health) اگر با دیدگاهی سختگیرانه مورد توجه قرارگیرد، مستلزم آن است که دولتها گامهایی برای حفاظت از اتباع خویش در برابر محیط زیست سمی بردارند و کالاهایی سازگار با رفاه فیزیکی و روانی آنان را ارائه کنند.

در بسیاری از موارد، این امر مستلزم اتخاذ سیاستهایی برای پیشگیری از تخریب محیط زیست است. حق بر بهداشت ممکن است به طریق دیگری نیز با حفاظت محیط زیست پیوند یابد. سیاستهای ایجاد شده برای حمایت از انسانها نیز ممکن است به صورت طبیعی، از گونه‌های گیاهی و حیوانی و فرایندهای زیست بومی حفاظت کنند. به عنوان مثال، تدابیر ایجاد شده برای حفاظت از انسان در برابر انتشار پرتوهای رادیولوژیک، گونه‌های غیرانسانی را نیز در برابر انتشار این پرتوها حفاظت خواهد کرد و بدین طریق، حمایتی را - اگرچه به طور غیرمستقیم - برای گونه‌های غیر انسانی که بخش عظیمی از زیست بوم هستند، پدید خواهند آورد.

ج) بسترهای فرهنگی محیط زیست و فرصتهای امنیتی نهفته در آن علاوه بر حق بهداشت، سایر حقوق نسل دوم نیز ممکن است برای ارتقای وضعیت زیست محیطی استفاده شوند. حتی آموزش (Right to Education) ممکن است به افزایش آگاهی زیست محیطی کمک کند و گروههای زیان دیده را به مهارتهای لازم برای مبارزه با خسارات و صدمات زیست بومی در عرصه سیاسی مجهز کند. «بی سوادی ممکن است افراد در حاشیه و ناتوان به کار را از اهرم سیستم سیاسی موجود هر چه بیشتر دور نماید». نقض حقوق فرهنگی می‌تواند با تخریب محیط زیست نیز همراه باشد. حق مشارکت (Right to Participation) در حیات فرهنگی نیز اگر به صورت مناسب حمایت شود، ممکن است دولتها را به حفاظت از محیط زیست فیزیکی که فرهنگهای معین به آن بستگی دارند، ملزم کند.

کارکرد فرهنگی بسیج به خوبی ارتباط و تأثیر فراوان این نهاد بر رشد و توسعه فرهنگ بومی و تغییر و تحول آن را اعم از پایش و پالایش نمایان

می‌سازد. با اینکه سازمانهای تخصصی زیست محیطی موظفند آموزش زیست محیطی مردم را در سطوح عمومی و همچنین خاص و کارشناسانه به عنوان مأموریت‌های ذاتی خویش سازماندهی نمایند اما کار فرهنگی در صورتی مؤثر واقع خواهد شد که با ملاحظه وضعیت و فرایند فرهنگ سازی، با مشارکت نهادهای فرهنگی (به‌ویژه بسیج که یکی از گسترده‌ترین نهادهای فرهنگی کشور است) صورت پذیرد. از این جهت، کارکردهای فرهنگی بسیج چنان وسیع و گسترده و متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی است که این نیاز بسیار حیاتی فعلی جامعه را به خوبی برطرف خواهد کرد. تردیدی نیست که درک قانونگذار به همین ظرفیتهای نقش‌آفرینی فرهنگی است که در برنامه چهارم توسعه، همکاری بسیج در حوزه حفاظت از محیط زیست به صورت صریح و قانونمند پیش‌بینی شده است.

وجود محیط زیست مطلوب، با حقوق فرهنگی ملت‌ها رابطه نزدیک دارد. چشم اندازهای طبیعی و منحصر به فرد، بخشی مهم از میراث فرهنگی هر اجتماع است که نه تنها از گذشتگان به نسل‌های کنونی منتقل شده بلکه به همان طریق، به نسل‌های آینده محول می‌شود. بدیهی است خسارت و پیامدهای زیانبار زیست محیطی ناشی از آلاینده‌ها بر کلیه زیباییهای مظاهر مختلف طبیعت و گونه‌ها و میراث طبیعی ملت، با شرایط مناسب حیات فرهنگی و اجتماعی بشر نیز مغایرت دارد؛ زیرا اختلال اکوسیستم‌ها و به هم خوردن تعادل آنها نه تنها سلامت جسمی و روحی انسان به عنوان عضو اصلی این اجتماع را به خطر می‌اندازد، بلکه با تخریب میراث‌های طبیعی و فرهنگی، موجودیت و هویت فرهنگی جامعه را نیز تهدید می‌کند و در بلندمدت به مثابه تهدیدی اجتماعی و امنیت فرهنگی بروز می‌نماید.

صیانت از هویت فرهنگی، با توجه جدی به مجموعه اعضای اجتماع و آداب مطلوب جاری در آن اجتماع است. هویت فرهنگی، به دلیل ویژگی پویا و متحرک خود، از مرزهای زمانی می‌گذرد؛ بنابراین، برای توفیق در امنیت فرهنگی جامعه، باید بدون دستخوش آسیب شدن، به نسل‌های بعدی با اعضای بعدی این اجتماع و مخاطبان فرهنگی آن منتقل گردد. در نتیجه، ابعاد فرهنگی

حقوق حفاظت از محیط زیست^۱، در شناسایی منافع نسلهای آینده نیز نهفته است. اعلامیه استکهلم اعلام می‌دارد:

«انسان از حق بر زندگی در محیطی که کیفیت آن حیات شرافتمندانه و مرفه را میسر می‌سازد، برخوردار است».

و بلافاصله اضافه می‌کند که انسان «مسئولیت انحصاری حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آتی را برعهده دارد». در واقع؛ در بستر فرهنگی اجتماع و در پرتو پیوند انسانها در حفظ میراث طبیعی و فرهنگی است که «حق» نسلهای کنونی و اعضای فعلی اجتماع برای بهره‌مندی از محیط مناسب حیات و زیست پایدار، با «تکلیف و مسئولیت» آنها به حفظ اکوسیستم و طبیعت برای ادامه زندگی نسلهای بعدی، موجب تعادل در رفتار اجتماعی انسانها می‌شود. در این رابطه، همه نهادهای عمومی و مرتبط با اعمال حاکمیت باید سیاستهای اجرایی خود را با چنین اولویتی تطبیق دهند؛ چرا که تنها در محیطی مناسب و عاری از تخریب و آلودگی است که ایفای وظایف عادی این نهادها در تأمین نیازهای عمومی معنادار خواهد بود.

در واقع؛ نیاز به این محیط، بر سایر نیازهای افراد، مقدم است. به همین دلیل اصل پنجاهم قانون اساسی کشورمان به درستی حفاظت از محیط زیست را به عنوان فضایی که «در آن انسانها حیات رو به رشدی داشته باشند»، مسئولیت و تکلیف همگانی شناخته است. اما بسیج به دلیل ارتباط عمیق آن با عموم مردم و در نتیجه علائق و همچنین ظرفیتهای درک مسائل عمومی، در این راستا از موقعیتی ویژه برخوردار است. در بندهای ذیل به برخی از مصادیق خاص این اقدامات بایسته اشاره می‌شود.

بند دوم: جایگاه قانونی حفاظت از محیط زیست در کارکردهای بسیج

بسیج نهادی با تنوع کارکردی است که به لحاظ ارتباط عمیق آن با مردم و پدیدارهای اجتماعی، مأموریتی به گستردگی پهنه اجتماع دارد. تحلیل قانونی و حقوقی نشان می‌دهد که کارکردهای حاصل از انجام مأموریت‌های بسیج را

1- Right to (healthy, clean and/or satisfactory) environment

می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. بخشی از این موارد چنان واجد اهمیت بوده‌اند که قانون اساسی و قوانین ارگانیک راجع به عملی کردن اصل یکصد و پنجاه و یکم، بر آن تأکید داشته و در صدر وظایف بسیج در مجموعه سازمانی سپاه قرار دارند (کارکردهای اصلی). در کنار آن، بسیج به عنوان نیرویی مردمی که حجم وسیعی از اقشار و اصناف مختلف جامعه را در تحت پوشش قرار داده، قابلیت‌ها و ظرفیتهایی دارد که از دید قانونگذار ایرانی مغفول نمانده است. این سلسله قابلیت‌ها موجب افزایش مأموریت بسیج در جهت پشتیبانی از حسن انجام وظایف قانونی سایر نهادها شده است (کارکردهای ثانوی و پشتیبانی). (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۱۳)

کارکردهای زیست محیطی بسیج، یعنی مسئله مشارکت بسیج در توسعه فرهنگ سبز در کشور و حمایت از موازین و سیاستهای زیست محیطی، در قالب هر دو دسته از مأموریت‌های مذکور قرار می‌گیرد. در این رابطه، از جمله سه رویه مشخص در خصوص شناسایی نقش بسیج در عرصه حفاظت از محیط زیست را می‌توان یادآور شد: تصریح قانون برنامه چهارم توسعه، روز بسیج و محیط زیست در هفته محیط زیست کشور (خردادماه هر سال) و در نهایت تفاهم‌نامه پنج ساله سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی مقاومت بسیج در سال ۱۳۸۴.

در این میان و بدون نیاز به استدلال و احتجاج، قانونگذار به صورت صریح به چنین موضوعی اشاره کرده است. ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه در خصوص نقش بسیج در حوزه حفاظت ملی از منابع طبیعی و دیگر عرصه‌های محیط زیست، مقرر داشته که:

«دولت مکلف است برنامه حفظ، احیا، اصلاح، توسعه و بهره برداری از منابع طبیعی تجدیدشونده را با توجه به اولویتهای زیر تنظیم و به مورد اجرا بگذارد:

ط- گسترش مشارکت شوراهای روستایی و بسیج محلی در حفاظت از جنگلها و مراتع به میزان ۱۵ درصد از سطح عملیاتی ...»

۱- تحلیل ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه در مورد بسیج محلی

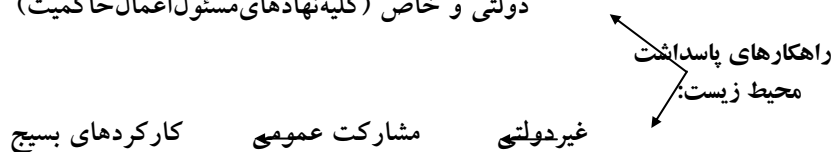
اولویت این ماده، برنامه‌ریزی برای حفظ، احیا، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدشونده است. هرچند منابع طبیعی تجدیدشونده تنها بخشی از عرصه‌های زیست محیطی و مقتضی حفاظت را در بر می‌گیرد اما این ماده توجه خاص قانونگذار به اهمیت این بخش از محیط زیست و لزوم تدوین راهبردهای خاص را بیان می‌کند. به همین دلیل، شاخصها و معیارهایی را برای تدوین و اجرای این راهبردهای خاص بیان داشته است. با این حال، تردیدی نیست که این اولویتهای بخشی و محدود، تنها مصداقی از اولویتهای کلی زیست محیطی در جامعه بوده و لزوم توجه به سایر حوزه‌ها نیز همچنان بر عهده دولت باقی می‌ماند.

قانونگذار تکلیف مذکور در ماده ۶۹ را اساساً برعهده دولت (قوه مجریه) دانسته، اما در بند «ط» بسیج را محور برنامه ریزی زیست محیطی دولت قرار داده است. در واقع؛ هرچند که دولت در تدوین برنامه حفاظت از منابع طبیعی؛ یعنی جنگلها و مراتع کشور با رعایت کلیت مقرر در این ماده، مجاز است نهادهای مسئول در امور اجرایی آن را نیز معین کند، اما مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست به‌ویژه از طریق بسیج، اساس این برنامه ریزی است که نه تنها حجم و سطح مشارکت مذکور را جهت می‌دهد، بلکه نیروی مقاومت بسیج را در این رابطه به صورت ویژه اولویت و تقدّم می‌بخشد. در بند ذیل، استراتژی مشارکت عمومی در اجرای مدیریت زیست محیطی کشور را با تکیه بر نقش بسیج تحلیل خواهیم کرد.

آنچه در ابتدای امر به نظر می‌رسد این است که هرچند نگاه قانونگذار منحصر به کارکرد ثانویه بسیج در این راستاست و به نقش ضابطی بسیج در همکاری با ضابطین زیست محیطی محدود شده، اما در تحلیل جامعه‌شناختی کارکردهای اولیه و ذاتی بسیج به‌ویژه در حوزه فرهنگی نیز این جایگاه روشن و واضح است. در این بخش با بیان و تحلیل این دو کارکرد، رفع نقایص و کاستی‌های قانون برنامه چهارم را از طریق قوانین و مقررات ذی‌ربط یا رویه‌های صالح، تحلیل و بیان خواهیم کرد.

الف) سیاست و مدیریت سبز و کارکردهای فرهنگی بسیج^۱

حرکت جامعه به سوی اهداف و مقاصد عالی پیش بینی شده که تعالی فرد و اجتماع در مسیر سعادت است، نظمی را طلب می‌کند که برقراری و صیانت از آن وظیفه اصلی کلیه نهادهای عمومی است. نظم فرهنگی یا آرامش و امنیت مردم از لحاظ فرهنگی، یکی از این شرایط و لوازم حرکت عادی و طبیعی فرد و اجتماع است که تأمین آن بر عهده نهادهای مختلف فرهنگی می‌باشد. بسیج به لحاظ ترکیب خاص خود؛ یعنی داشتن ارتباط عمیق با مردم در سطوح و اقشار مختلف، بهترین ظرفیت فرهنگی را دارا بوده و می‌تواند تقویت و ارتقای وضعیت فرهنگی را تعقیب و حتی فرایند فرهنگ سازی را هدایت و تسریع کند. دولتی و خاص (کلیه نهادهای مسئول اعمال حاکمیت)



به عبارت دیگر، کارکرد فرهنگی بسیج به خوبی ارتباط و تأثیر فراوان این نهاد بر رشد و توسعه فرهنگ بومی و تغییر و تحول آن اعم از پایش و پالایش نمایان می‌سازد. با اینکه سازمانهای تخصصی زیست محیطی موظفند آموزش زیست محیطی مردم را در سطوح عمومی و همچنین خاص و کارشناسانه به عنوان مأموریت‌های ذاتی خویش سازماندهی کنند، اما کار فرهنگی در صورتی مؤثر واقع خواهد شد که با ملاحظه وضعیت و فرایند فرهنگ سازی، با مشارکت نهادهای فرهنگی (به‌ویژه بسیج که عمومی‌ترین نهاد فرهنگی کشور است) صورت پذیرد. از این جهت، کارکردهای فرهنگی بسیج چنان وسیع و گسترده و متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی است که این نیاز بسیار حیاتی فعلی جامعه را به خوبی برطرف خواهد کرد. تردیدی نیست که درک قانونگذار به همین ظرفیتهای نقش‌آفرینی فرهنگی است که در برنامه چهارم توسعه، همکاری بسیج در حوزه

۱- سیاست سبز، عنوانی است که در تفاهم نامه زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست و بسیج به‌کار رفته و چارچوب همکاری این دو نهاد در امر حفاظت محیط زیست را ارائه کرده است.

حفاظت از محیط زیست به صورت صریح و قانونمند پیش‌بینی شده است.

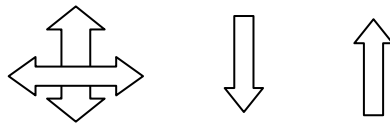
ب) راهبرد مشارکت عمومی در حفاظت محیط‌زیست با اولویت نقش بسیج تحلیل جامعه‌شناختی شکل‌گیری بسیج و کارکردهای عمومی آن و همچنین رابطه بسیج با مردم، حاکی از ویژگی منحصر به فرد آن در تجمیع دو سیر صعودی و نزولی به صورت همزمان است. در واقع؛ با اینکه نهادهای دولتی از بالا ظهور می‌یابند و بر مبنای اراده حکومتی بر مردم اعمال می‌شوند (شکل ۱) در مورد بسیج نوع تعامل ساختاری و نهادی آن با مردم، تابع دو الگوی همزمان ظهور از پایین و مدیریت از بالا و همچنین تصمیم‌گیری و اجرا در وضعیت همپراز است (شکل ۲).





شکل ۱- نحوه شکل گیری و سیر صعودی مدیریت دستگاههای دولتی

اولاً؛ ظهور و شکل گیری نهادهای عمومی از بالا به پایین و بر مبنای تصمیم حکومتی است.
ثانیاً؛ مدیریت نهادهای دولتی بر مبنای تشخیص مقام مافوق است و از بالا به پایین جاری می شود.



شکل ۲- تحلیل جامعه شناختی شکل گیری و مدیریت بسیج و نقش عموم

اولاً؛ بسیج نهادی عمومی است که از بطن جامعه نشئت گرفته و ظهور آن از پایین به بالا است.
ثانیاً؛ مدیریت بسیج در عین اینکه به عنوان یک نهاد دولتی از پایین به بالا است اما در تصمیم گیریها نیز اقشار مختلف جامعه نقش داشته و رابطه دولت و مردم به صورت همپراز است.

مشارکت عمومی در روند تصمیم گیریها و همچنین اجرای سیاستهای مصوب دولت، یکی از راهکارهای تقویت امکان بهینه سازی اوضاع اجتماع است که نه تنها مردمی بودن نظام سیاسی را نمایان می سازد، بلکه فضایی فراهم می کند تا از توانمندیها و ظرفیتهای عمومی به عنوان فرصت تدوین و اجرای سیاستهای دولت استفاده مناسب به عمل آید. به همین دلیل، مشارکت عمومی و همبستگی ملی به مثابه دو بُعد مکمل و مرتبط از سیاست امنیتی و اجتماعی

کشور در سال ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری مطرح گردید.

بدون شک، یکی از ابعاد مهم این مشارکتها، تدوین و اجرای سیاستهای سبز یا مدیریت امور زیست محیطی کشور است. همان‌طور که در بند «ط» ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه آمده است، مشارکت عمومی یکی از مجاری بهبود اوضاع کنونی و متوقف کردن روند رو به بحران محیط زیست کشور و تخریب منابع و عرصه‌های طبیعی و اجزای اصلی اکوسیستم است.

حضور مردم در روند تدوین و اجرای سیاست زیست محیطی کشور نه تنها موجب می‌شود که اراده و تشخیص و صلاح‌دید آنها نیز در تدوین کم و کیف این سیاستها لحاظ شود، بلکه به صورت غیرمستقیم، به مثابه عاملی مهم برای کاهش تخریب و آلودگی محیط است. با حضور مردم در روند سیاستگذاری‌های زیست محیطی، اهمیت این حوزه برای آنها بیش از پیش روشن می‌شود و انگیزه‌های تخریب و آلودگی تقلیل می‌یابد و مردم خود از عوامل آلاینده محیطی، به نگاهبانان عرصه‌های طبیعی و زیست محیطی کشور تبدیل می‌شوند. به همین دلیل، اصل مشارکت عمومی در روند ایجاد و اجرای سیاستهای زیست محیطی (Principle of Public Participation)، به عنوان یکی از چارچوبهای حقوقی حفاظت از محیط زیست مطرح و در قوانین ملی و اصول بین‌المللی منعکس شده است.

در کشورمان این مشارکت را با بهره‌گیری از نهادهایی که بیشترین ارتباط را با مردم برقرار کرده‌اند و ظرفیت و توانمندی چنین ارتباطی را در حد گسترده دارند، می‌توان به صورت سازماندهی شده پیگیری نمود. در این میان، به درستی دو نهاد از اهمیت و توجه ویژه‌ای برخوردارند: بسیج و شوراهای محلی.

قانونگذار نیز همین دو نهاد را به عنوان سازوکارهای دولتی مرتبط با اعمال اصل مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، بسیج به دلیل اینکه عمومی‌ترین نهاد مرتبط با آحاد جامعه است و تا حد کل سطوح و اقشار جامعه گسترش یافته، مهبئی چنین نقشی بیان گردیده و مقرر شده که در کنار ضابطین خاص زیست محیطی که «اعضای گارد محیط زیست» نامیده می‌شوند، از توانمندیهای خود برای تأمین امنیت زیست محیطی

کشور بهره بگیرد. به همین دلیل، تصریح شده که وظیفه دشوار حراست از جنگلها و مراتع به عنوان مهم‌ترین اجزای منابع طبیعی تجدیدشونده کشور، بین گارد محیطی زیست و بسیج تقسیم و حداقل ۱۵ درصد از سطح عملیاتی جنگلها و مراتع کشور تحت کنترل و اقدامات حراستی این نیرو حفاظت شود.

قانونگذار به خوبی درک کرده که بسیج به دلیل ارتباط گسترده‌اش با عموم شهروندان و همچنین توانمندی حراست از کیان جامعه و ارزشهای آن، به خوبی قادر است در برابر تخلفات زیست محیطی نیز اقدام کند و نه تنها وظایف مربوط به ضابط نظامی بودن در برخورد با جرائم مشهود زیست محیطی را انجام دهد، بلکه از اختیارات خاص مرتبط با حراست از یک چهارم از منابع طبیعی تجدیدشونده کشور برخوردار شود. به همت بسیج، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگلها و مراتع کشور قادر خواهد بود اقدام مؤثرتری در مقابله با متخلفان زیست محیطی انجام دهد و برنامه صیانت از این عرصه‌ها، پشتوانه اجرایی و ضمانت اجرای مؤثر و مفیدی کسب کند.

بدین منظور، لازم است نیروی مقاومت بسیج ضمن افزایش آگاهی بسیجیان از مسائل زیست محیطی، به‌ویژه قوانین و مقررات و تخلفات زیست محیطی، برنامه جامع و مشخصی را با همکاری نهادهای زیست محیطی کشور، به‌ویژه سازمان حفاظت محیط زیست تدوین کند و به اجرا درآورد. البته تاکنون تکلیفی که ماده ۶۹ به شرح فوق بر عهده دولت گذاشته، تدوین نشده است. با این حال، به دلیل اینکه بند «ط» به صورت مشخص به کارکردهای جدید و نوین بسیج در عرصه حراست از امنیت اجتماعی؛ یعنی امنیت زیست محیطی کشور اشاره کرده است، بسیج خود می‌تواند نه تنها مبتکر تدوین چنین برنامه‌هایی در مجموعه دولت باشد، بلکه با مستند قرار دادن این بند قانونی، اقدامات لازم را با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگلها و مراتع کشور به عمل آورد. به نظر می‌رسد تدوین تفاهم‌نامه پنج‌ساله سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی مقاومت بسیج را در سال ۱۳۸۴ می‌توان مصداقی از اعمال این بند از ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه تلقی نمود.

۲- نقش زیست محیطی بسیج به تناسب اولویت امنیت اجتماعی

محور فعالیت بسیج در جلب مشارکت کلیه اقشار و اصناف جامعه، تضمین امنیت اجتماع و رفع موانع همبستگی عمومی است. در نتیجه، حضور بسیج در عرصه حفاظت از محیط زیست نیز از چنین مقصودی دور نخواهد بود. نابسامانی اوضاع محیط زیست کشور و بروز بحرانهای زیست محیطی، با بروز و ظهور بحرانهای اجتماعی همراه خواهد بود و حتی این اوضاع به سطح سیاست و نظم سیاسی نیز کشیده خواهد شد.

به همین دلیل، تردیدی نیست که با حضور مؤثر بسیج در عرصه‌هایی نظیر مقابله با تجاوز به عرصه‌های طبیعی (به منزله بیت‌المال) و ممانعت از حدوث مواردی نظیر «زمین خواری» (تصرف غیرقانونی منابع طبیعی و اراضی ملی که انفال و متعلق به عموم محسوب می‌شود)^۱ که در سالهای اخیر در مرکز برنامه‌ریزی مشترک قوای سه‌گانه قرار گرفته است، اطمینان عمومی به مدیریت صحیح امور دولتی و حکومتی را ارتقا خواهد بخشید و موجب دوام و بقای مناسبات مردم و دولت خواهد شد. در حالی که نارضایتی از تصرف اراضی ملی و بیت‌المال توسط برخی افراد، موجب ناامنی در جامعه و تشویش اذهان عمومی و تهدید امنیت داخلی خواهد شد. بر اساس نظریه‌های جدید در تحلیل رفتارشناسی اعضای اجتماعات انسانی، تعارض در میان افراد، در نتیجه عدم امکان کسب یک هویت کامل (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۷) و مشترک ایجاد می‌شود. بحرانهای مختلف اجتماعی از جمله زیست محیطی، محیط رشد و نمو افراد را از بین می‌برد و مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار بر شکل‌گیری میراث مشترک را تضعیف می‌کند.

البته نقش امنیت زایی و امنیت بانی بسیج با همکاری کلیه نهادهای امنیت داخلی (وزارت کشور و نهادهای اطلاعاتی) و ضمن برنامه‌ریزی مشترک متضمن راهکارهای مشخص ارتقای امنیت اجتماعی قابل اعمال خواهد بود؛ اما بسیج به دلیل توانمندی‌های منحصر به فرد خود قادر است در این رابطه مبتکر

۱. اصل چهل و پنجم قانون اساسی: «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، ... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید».

و خلاق عمل کند.

۳- تکمیل جایگاه محیط زیست از طریق کارکردهای ثانویه بسیج

همان‌طور که در بررسیهای تحلیلی کارکرد بسیج آمده است، در کنار مأموریت‌های بسیج در عرصه امنیت فرهنگی و سیاسی (امنیت داخلی و خارجی) که به صراحت در اسناد بنیادین تشکیل و سازماندهی بسیج تصریح شده، در گذر زمان، آشنایی بهتر با ظرفیتها و پتانسیلهای بسیج نیز این امکان را فراهم کرده که قانونگذار در برخی از موارد دیگر نیز مأموریت و شأنی قانونی برای فعالیت و اقدام نیروی مقاومت بسیج پیش‌بینی کند.

این مأموریتها که ثانوی تلقی می‌شوند، بیشتر حالت پشتیبانی و کمک به سایر نهادهای دولتی در انجام وظایفشان دارد. اقدام نیروی مقاومت بسیج در جهت تکمیل نظام اطلاعاتی و امنیتی کشور، پشتیبانی قضایی و تسهیل نقش دستگاههای قضایی و انتظامی در برخورد با جرائم و تأمین نظم عمومی از مهم‌ترین این مأموریت‌های ثانوی و کمکی می‌باشد که در منابع حقوقی خاص، به تفصیل بیان شده است. البته در قوانین ناظر بر برنامه‌های توسعه، انتظار می‌رود که مأموریت‌های اصلی بسیج به دقت مورد توجه قرار گیرد. تغییر مأموریت‌های ثانوی متناسب با شرایط و کارویژه‌های جدید نهادهای مختلف، تأثیری بر موقعیت قانونی و عملی بسیج در تأمین رسالتهای تکوینی خود ندارد؛ هرچند بی‌توجهی به پتانسیلهای بسیج در کمک و مساعدت به تأمین اهداف اصلی و کارویژه‌های عمده سایر نهادهای دولتی نیز از نظر مدیریت بهینه منابع و ارتقای اثربخشی حاکمیت، چالش‌پذیر است.

در هر حال، بسیج به دلیل اینکه همکار دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی و همچنین ضابط خاص قضایی در برخورد با جرائم مشهود است، می‌تواند در این قالب نسبت به مسائل زیست محیطی نیز اقداماتی را به عمل آورد. ضمن اینکه بند «ط» ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه همین کارکرد بسیج در مقام ضابط قضایی و همچنین ارتباط عمیق آن با گسترده‌ترین سطوح اجتماع، بستری برای اعطای نقش ویژه به بسیج در حراست از منابع طبیعی تجدیدشونده و مقابله با

تخریب جنگلها و مراتع کشور قرار داده و تصریح کرده که باید از طریق بسیج محلی، مشارکت عمومی برای حراست از یک چهارم این منابع، گسترش یابد. بنابراین، حراست بسیج از طبیعت و میراث طبیعی کشور نه تنها در قالب کلی مأموریت‌های ذاتی قرار می‌گیرد (به دلیل ارتباط محیط زیست با امنیت اجتماعی)، بلکه در چارچوب مأموریت‌های بسیج در ارتقای سیاست‌های عمومی و تکمیل برنامه سایر نهادهای تخصصی دولتی نیز قابل پیگیری است.

۴- مصادیق و مجاری مشارکت فعال بسیج در حفاظت از محیط زیست

بسیج به منظور تعمیق مشارکت خود در امر حفظ محیط زیست، از تواناییها و ظرفیتهای بالا و متنوعی برخوردار است: استفاده از ظرفیتهای جوان بسیج در امر سازندگی، همگام با رعایت اولویتهای زیست محیطی؛ تشویق اطلاع‌رسانی از تخلفات زیست محیطی در شبکه جامع اطلاعات مردمی در کانونهای بسیج؛ هدایت برنامه‌های فرهنگی و ورزشی بسیج در جهت ایجاد و گسترش فرهنگ زیست محیطی؛ برگزاری برنامه‌های ویژه زیست محیطی برای عموم و اқشار مختلف جامعه از طریق محافل و مجامع بسیجی.

الف) استفاده از ظرفیتهای جوان بسیج در تضمین آینده جامعه سبز

بسیج به عنوان نهادی مملو از ظرفیتهای و قابلیت‌های جوان، قادر است در مهیا کردن شرایط سازندگی کشور از طریق نیروی جوان کشور بیشترین نقش را ایفا کند. به همین دلیل، نهادهای دولتی قانوناً مجاز شده اند که در راستای تحقق سازندگی کشور از طریق جوانان، از این ظرفیتهای استفاده نمایند. جوان بودن سطح وسیعی از جمعیت کشور می‌طلبد که بیشترین تأکید بر استفاده از این نسل در توسعه همه جانبه کشور به عمل آید.

بدون تردید، با توجه به روحیات و همچنین وضعیت همکاریهای عقلانی و همبستگی اندامی جوانان در اجتماع، علاقه‌مندی جوانان به حفظ محیط رشد و نمو خود و آیندگان، بیشتر از سایر اعضای جامعه است و با توجه به فزونی امکان جامعه‌پذیری این گروه سنی نسبت به سایر اعضای جامعه و سرعت و

تسهیلات ایجاد تحولات اجتماعی از طریق این قشر (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۱)، بسیج با بهره‌گیری از توانمندی جوانان که از نظر کمی، گسترده‌ترین قشر جامعه را تشکیل می‌دهند و بسیج نیز سطحی وسیع از این قشر را جذب کرده است، می‌تواند فرهنگ زیست محیطی را ارتقا بخشد و همکاری توانمند برای سازمان حفاظت محیط زیست و دیگر نهادهای زیست محیطی باشد.

ب- تشویق اطلاع‌رسانی از تخلفات زیست محیطی در شبکه جامع اطلاعات

مردمی در کانونهای بسیج

نیروی مقاومت بسیج به دلیل عضویت همه اقشار جامعه در آن، از بیشترین ظرفیت جمع آوری اطلاعات از فعالیتهای مختلف اجتماعی برخوردار است. با آموزش اعضا و حساس کردن آنها به جمع آوری اطلاعات مرتبط با تخلفات زیست محیطی در اطراف و اکناف جامعه، می‌توان شبکه جامعی از اطلاعات زیست محیطی را فراهم کرد تا نه تنها برنامه ریزی و اقدام بسیج را در خصوص ایفای مسئولیتها و نقشهای خاص بسیج فراهم کند، بلکه امکان برقراری ارتباط و ارسال اطلاعات لازم به نهادهای صالح را نیز مهیا سازد.

بنابراین، در نظام جامع اطلاعات زیست محیطی کشور که در قانون برنامه چهارم توسعه و در قالب سیاستهای زیست محیطی و آمایش سرزمین مقرر شده است، باید جایگاهی خاص برای بسیج پیش بینی شود.

ج) هدایت برنامه‌های فرهنگی بسیج در جهت ایجاد و گسترش فرهنگ زیست محیطی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، نظم فرهنگی یا آرامش و امنیت مردم از لحاظ فرهنگی، یکی از شرایط و لوازم حرکت عادی و طبیعی فرد و اجتماع است که تأمین آن بر عهده نهادهای مختلف فرهنگی می‌باشد. بسیج به لحاظ ترکیب خاص خود؛ یعنی داشتن ارتباط عمیق با مردم در سطوح و اقشار مختلف، بهترین ظرفیت فرهنگی را دارا بوده و می‌تواند تقویت و ارتقای وضعیت فرهنگی را تعقیب و حتی فرایند فرهنگ سازی را هدایت و تسریع کند.

خوشبختانه همه ساله برنامه‌های متعدد فرهنگی و ورزشی از طریق کانونهای بسیج برگزار می‌شود و اساساً این برنامه‌ها که در برنامه‌ریزی کارکرد فرهنگی بسیج، وضعیتی ثابت و دائمی یافته است، مجال برای ایفای کارکردهای زیست محیطی و ترکیب آن با این مجموعه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی است تا از طریق آن امنیت اجتماعی به صورت دامنه‌دارتر، دنبال شود. شایسته است برخی از این برنامه‌ها با هدف گسترش فرهنگ زیست محیطی در میان اقشار مختلف بسیجی، به‌ویژه آموزش رعایت الزامات و اخلاق زیست محیطی در محلات و سطح شهر و روستا، برگزاری و پیگیری شود.

در این رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برگزاری کاروانهای تنزیه عرصه‌های زیست محیطی، به‌ویژه کوهها؛
- استفاده از برنامه‌های مشترک بسیج و محیط زیست برای بازدید بسیجیان از موزه‌های حیات وحش و منظرگاهها و مناطق حفاظت شده و پارکهای ملی؛
- برگزاری برنامه‌های ویژه زیست محیطی برای عموم و اقشار مختلف جامعه از طریق محافل و مجامع بسیجی.

در هر حال، مسئولیت بسیج در امر حفاظت از محیط زیست، از قابلیتها و توانمندی‌های آن نشئت می‌گیرد. توانمندیهای بسیج مستعد و مہیای سپردن وظایف و اختیارات زیست محیطی به این نهاد است به گونه ای که مدیریت صحیح زیست محیطی کشور متناسب با سیاستهای کلان کشور، به‌ویژه در قالب چشم انداز توسعه بیست ساله پیگیری شود. امید است که این نوشتار مقدمه‌ای برای تحقیق بیشتر در محور مناسبات بسیج و محیط زیست به عنوان حوزه‌های جدید ولی مهم امنیت سازی و امنیت بانی؛ یعنی حراست از امنیت اجتماعی و ارتقای آن، مورد مذاقۀ بیشتر قرار گیرد و در مأموریت بسیج و برنامه‌ریزی انجام مأموریت‌های آن لحاظ می‌گردد.

تفاهم‌نامه پنج ساله بسیج و سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۸۴ که به منظور استفاده از توانمندی‌های بسیج در همین راستا تدوین شده، مجال لازم را برای این پیگیری و برنامه‌ریزی در کارکرد بسیج فراهم کرده است.

نتیجه گیری

محیط زیست نه تنها یکی از امور دارای اثر مستقیم بر زندگی اجتماعی بلکه واجد آثار و پیامدهای سیاسی و امنیتی ملی و بین‌المللی است که این امر در مطالعات امنیتی معاصر به خوبی قابل مشاهده است، به طوری که آینده‌ی مناسبات جوامع داخلی و همچنین بین‌المللی از جمله با توجه به این عامل، سنجیده می‌شود (کیت‌پیز، ۱۳۸۵). بنابراین لازم است که ظرفیتهای و تهدیدهای زیست محیطی در چارچوب امنیت اجتماعی و حتی در قالب امنیت ملی، در تصمیم‌گیریهای کلان کشور مورد توجه قرار گیرد.

رابطه‌ی بسیج با محیط زیست نیز متأثر از جایگاه محیط زیست در تأمین امنیت اجتماعی و ملی است. از نظر حقوقی، این تأثیر و تأثر مستلزم استدلال نیست؛ چراکه قانونگذار (در قالب برنامه چهارم توسعه) درک کرده که بسیج به دلیل ارتباط گسترده‌ی آن که با عموم شهروندان برقرار کرده و همچنین توانمندی حراست از کیان جامعه و ارزشهای آن، به خوبی قادر است در برابر تخلفات زیست محیطی نیز اقدام کرده و نه تنها وظایف مربوط به ضابط نظامی بودن را در برخورد با جرائم مشهود زیست محیطی انجام دهد، بلکه از اختیارات خاص مرتبط با حراست از یک چهارم منابع طبیعی تجدیدشونده کشور برخوردار شود. به همت بسیج، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگلها و مراتع کشور قادر خواهد بود اقدام مؤثرتری در مقابله با متخلفان زیست محیطی انجام دهد و برنامه‌ی صیانت از این عرصه‌ها، پشتوانه اجرایی و ضمانت اجرای مؤثر و مفیدی کسب کند.

هرچند نگاه قانونگذار منحصر به کارکرد ثانویه بسیج در این راستاست و به نقش ضابطی بسیج در همکاری با ضابطین زیست محیطی محدود شده، اما در تحلیل جامعه‌شناختی کارکردهای اولیه و ذاتی بسیج، به‌ویژه در حوزه فرهنگی نیز این جایگاه روشن و واضح است. در واقع؛ هرچند دولت در تدوین برنامه حفاظت از منابع طبیعی؛ یعنی جنگلها و مراتع کشور با رعایت کلیت مقرر در این ماده، مجاز است نهادهای مسئول در امور اجرایی آن را نیز معین کند، اما

مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست، به‌ویژه از طریق بسیج، اساس این برنامه ریزی است که نه تنها حجم و سطح مشارکت مذکور را جهت می‌دهد بلکه نیروی مقاومت بسیج را در این رابطه به صورت ویژه در اولویت و تقدّم قرار می‌دهد.

بدین منظور، لازم است نیروی مقاومت بسیج ضمن افزایش آگاهی بسیجیان از مسائل زیست محیطی و قوانین و مقررات و تخلفات مربوط به آن، برنامه جامع و مشخصی را با همکاری نهادهای زیست محیطی کشور، به‌ویژه سازمان حفاظت محیط زیست، تدوین کند و به اجرا درآورد. با اینکه سازمانهای تخصصی زیست محیطی موظفند آموزش زیست محیطی مردم را در سطوح عمومی و همچنین خاص و کارشناسانه به عنوان مأموریت‌های ذاتی خویش سازماندهی کنند، اما کار فرهنگی در صورتی مؤثر واقع خواهد شد که با ملاحظه وضعیت و فرایند فرهنگ سازی، با مشارکت نهادهای فرهنگی (به‌ویژه بسیج که عمومی‌ترین نهاد فرهنگی کشور است) صورت پذیرد. از این جهت، کارکردهای فرهنگی بسیج چنان وسیع و گسترده و متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی است که این نیاز بسیار حیاتی فعلی جامعه را به خوبی برطرف خواهد کرد.

البته تاکنون تکلیفی که ماده ۶۹ به شرح فوق بر عهده دولت گذاشته، تدوین نشده است. با این حال، به دلیل اینکه بند «ط» به صورت مشخص به کارکردهای جدید و نوین بسیج در عرصه حراست از امنیت اجتماعی؛ یعنی امنیت زیست محیطی کشور اشاره کرده، بسیج خود می‌تواند نه تنها مبتکر تدوین چنین برنامه‌هایی در مجموعه دولت باشد، بلکه با مستند قرار دادن این بند قانونی، اقدامات لازم را با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگلها و مراتع کشور به عمل آورد. به نظر می‌رسد تدوین تفاهم‌نامه پنج ساله سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی مقاومت بسیج را در سال ۱۳۸۴ می‌توان مصداقی از اعمال این بند از ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه تلقی کرد.

علاوه بر این، حضور مؤثر بسیج در عرصه‌هایی نظیر مقابله با تجاوز به عرصه‌های طبیعی (به منزله بیت المال) و ممانعت از حدوث مواردی نظیر پدیده

«زمین خواری» و تصرف غیرقانونی اراضی دولتی و ملی و عرصه‌های طبیعی، اطمینان عمومی به مدیریت صحیح امور دولتی و حکومتی را ارتقا خواهد بخشید و موجب دوام و بقای مناسبات مردم و دولت خواهد شد. در نتیجه، مشارکت بسیج در عرصه حفظ محیط زیست، پیامد امنیتی؛ یعنی بهبود امنیت اجتماعی نیز خواهد داشت.

خلاصه اینکه، ایجاد محیط سالم برای فعالیتهای مناسب اجتماعی، ضروری است. در این میان، توانمندی‌های بسیج مستعد و مهیای سپردن وظایف و اختیارات زیست محیطی به این نهاد است به گونه‌ای که مدیریت صحیح زیست محیطی کشور متناسب با سیاستهای کلان کشور، به‌ویژه در قالب چشم‌انداز توسعه بیست ساله پیگیری شود.

راهکارهای پیشنهادی

بر اساس آنچه در نوشتار و تحلیل مذکور آمد، می‌توان راهکارهای زیر را برای استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیتهای بسیج در راستای گسترش مشارکت عمومی در امر حفاظت و حراست از محیط زیست مطرح کرد:

- تدوین برنامه جامع مشارکت بسیج در حراست از عرصه‌های طبیعی و مقابله با تخریب و آلودگی محیط زیست با همکاری نهادهای ذی‌ربط (سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جنگلها و مراتع، شوراهای محلی)؛
- افزایش آگاهی بسیجیان از مسائل زیست محیطی، به‌ویژه قوانین و مقررات زیست محیطی و تخلف از آنها و نحوه برخورد خاص با تخلفات زیست محیطی؛
- تدوین راهبرد همکاری و اقدام مشترک بسیجیان و گارد حفاظت محیط زیست؛
- استفاده از ظرفیتهای مشارکت عمومی نهفته در بسیج در راستای حفاظت از محیط زیست از جمله تدوین و اجرای طرحهای پالایش ارتفاعات و کوهها؛

- پیوند زدن برنامه‌های فرهنگی بسیج با محیط زیست، نظیر برگزاری دوره‌های مسابقات فرهنگی، هنری، ورزشی با محوریت حفظ محیط زیست؛
- اتخاذ اقدامات ویژه و مناسب در خصوص برقراری پیوند رسمی بسیج و محیط زیست نظیر نامگذاری دائمی پنجمین روز هفته محیط زیست به عنوان بسیج و محیط زیست به همان سبکی که در سال ۱۳۸۵ به تصویب رییس سازمان حفاظت محیط زیست رسیده است و برنامه ریزی مشترک بسیج و این سازمان برای حضور بسیجیان در گرامیداشت هفته محیط زیست و همچنین بازدید آنها از موزه‌های طبیعی و تنوع زیستی و چشم‌اندازها و میراث طبیعی کشور برای ملموس کردن رسالت حفظ محیط زیست و اهمیت نقش بسیجیان و عموم در این راستا.

منابع

۱. اسنایدر، کریگ (۱۳۸۴)؛ *امنیت و استراتژی معاصر*، ترجمه سید حسین نجم، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)؛ «سازمان امنیتی فضای جغرافیایی: درآمدی بر جغرافیای امنیتی به مثابه یک گرایش علمی نوین»، *فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی*، شماره ۱، (زمستان).
۳. بختیاری، علی (۱۳۸۱)؛ «جغرافیای نظامی: در جستجوی تعریفی نو»، *فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی*، شماره ۱ (زمستان).
۴. حسینی، کیوان (۱۳۷۶)؛ «پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست دفاعی*، شماره ۲۱-۲۰.
۵. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)؛ «حکومت خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۰.
۶. ساعد، نادر (۱۳۸۳)؛ «حمایت از حقوق بشری زیست محیطی»، *ماهنامه اطلاع‌رسانی حقوقی*، شماره ۶.

۷. ساعد، نادر (۱۳۸۶)؛ «نقدی بر نقش و کارویژه بسیج در قانون برنامه چهارم توسعه: کاستی‌ها و راهکارها»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۶ (بهار).
۸. ساعد، نادر (۸۱-۱۳۸۰)؛ *حق بر محیط زیست سالم*، پروژه مطالعاتی دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۹. ساعد، نادر و تیلا، پروانه (۱۳۸۳)؛ «بازشناسی سازمانهای غیردولتی در پرتو نظم حقوقی: فرصتها و ظرفیتهای فراروی بسیج»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۳ (تابستان).
۱۰. صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۰)؛ *مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی*، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، جلد دوم.
۱۱. فولر، گراهام و لسر، یان (۱۳۸۴)؛ *ژئوپلیتیک اسلام و غرب*، ترجمه علیرضا فرشچی و علی اکبر کرمی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
۱۲. کارگر، بهمن (۱۳۸۱)؛ «ارزیابی کارآیی خدمات انتظامی و امنیتی در نظام مدیریت شهری»، *فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی*، شماره ۱ (زمستان).
۱۳. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۹)؛ «سیاست و هویت: دیدگاه گفتمانی ساختارگرا»، *هفت ستون سیاست*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. کاویانی، مراد (۱۳۸۳)؛ «معرفی و نقد کتاب جغرافیای سیاسی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۵ (پاییز).
۱۵. کیت پیز، کلی (۱۳۸۵)؛ «اداره امور جهان در سال ۲۰۷۵»، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۳۶ (اردیبهشت).
۱۶. نصری، قدیر (۱۳۸۱)؛ «معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت»، *راهبرد*، شماره ۲۶ (زمستان).

English References

1. Kiss, A. (1981); Permissible Limitations on Rights”, in: *The International Bill of Rights*, Henkin (ed).
2. Boyle and Anderson (eds.) (1995); *Human rights Approches to Environmental Protection*, Klower Law International.
3. E.Ct.H.R., Handyside Case, Judgement Of Dec. 7, 1976, Ser.

A. no. 24, para. 48; E.Ct.H.R., Engel Case, Judgement of June 8, 1976, Ser. A. no. 22, para. 100.

4. Glasser, M. and Father, C. (2003); *Political Geography*, London, Wiely.
5. Michael Anderson, Michael (1995); "Human rights Approaches to Environmental Protection: An Overall Review" , Boyle and Anderson (eds.), *Human rights Approches to Environmental Protection*, Klower Law International.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی